****

[(مسألة 380) 1](#_Toc489200369)

[(مسألة 381) 2](#_Toc489200370)

[بررسی حکم ترک رمی جمره عقبه یوم العید 2](#_Toc489200371)

[قول محقق خویی ره: وجوب قضا در روز یازدهم 2](#_Toc489200372)

[قول مشهور به وجوب قضا در سال آینده، باستناد روایت عمر بن یزید 3](#_Toc489200373)

[اعتماد به روایات محمد بن عمر بن یزید 5](#_Toc489200374)

[تکمله: الحاق جاهل به ناسی 6](#_Toc489200375)

**موضوع**: رمی جمره /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

##  (مسألة 380)

**إذا لم يرم يوم العيد نسيانا أو جهلا منه بالحكم‌ لزمه التدارك إلى اليوم الثالث عشر حسبما تذكر أو علم فان علم أو تذكر في الليل لزمه الرمي في نهاره إذا لم يكن ممن قد رخص له الرمي في الليل و سيجي‌ء ذلك في رمي الجمار و لو علم أو تذكر بعد اليوم الثالث عشر فالاحوط أن يرجع إلى منى و يرمي و يعيد الرمي في السنة القادمة بنفسه أو بنائبه و إذا علم أو تذكر بعد الخروج من مكة لم يجب عليه الرجوع بل يرمي في السنة القادمة بنفسه أو بنائبه على الأحوط**.[[1]](#footnote-1)

## (مسألة 381)

**إذا لم يرم يوم العيد نسيانا أو جهلا فعلم او تذكر بعد الطواف فتداركه‌ لم تجب عليه اعادة الطواف، و إن كانت الاعادة أحوط و أما إذا كان الترك مع العلم و العمد فالظاهر بطلان طوافه فيجب عليه ان يعيده بعد تدارك الرمي**.[[2]](#footnote-2)

## بررسی حکم ترک رمی جمره عقبه یوم العید

### قول محقق خویی ره: وجوب قضا در روز یازدهم

کسی که از روی نسیان یا جهل به حکم یا موضوع (به این که جای دیگری را از روی جهل، رمی کند) در روز عید، ترک رمی جمره کند، باید در روز یازدهم قضاء آن را بجا آورد، به دلیل صحیحه عبد الله بن سنان: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ‌ رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ جَمْعٍ- حَتَّى انْتَهَى إِلَى مِنًى فَعَرَضَ لَهُ عَارِضٌ- فَلَمْ يَرْمِ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ- قَالَ يَرْمِي إِذَا أَصْبَحَ مَرَّتَيْنِ مَرَّةً لِمَا فَاتَهُ- وَ الْأُخْرَى لِيَوْمِهِ الَّذِي يُصْبِحُ فِيهِ- وَ لْيُفَرِّقْ بَيْنَهُمَا يَكُونُ أَحَدُهُمَا بُكْرَةً وَ هِيَ لِلْأَمْسِ- وَ الْأُخْرَى عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ.[[3]](#footnote-3)

البته مشهور امر به تفریق در ذیل روایت را بر استحباب حمل کرده اند، اما محقق خوئی احتیاط واجب نموده است، چون در روایت امر به تفریق شده و مرخصی نیز وارد نشده است.

به نظر ما این مساله، مساله عام البلوی نیست که احتمال ارتکاز متشرعی عام بر عدم وجوب تفریق بین اداء و قضاء در آن برود و لذا مقتضای صناعت، رعایت تفریق است، ولو از باب احتیاط واجب.

مورد این روایت، تذکر در روز یازدهم است، اما خصوصیتی ندارد و اگر در روز دوازدهم هم ملتفت و یا عالم شود، باید قضاء کند، زیرا الغاء خصوصیت می شود.

بله، اگر بعد از مضی ایام تشریق عالم یا ملتفت شود، نمی توان از روایت الغاء خصوصیت نمود، و مقتضای قاعده، عدم وجوب قضاء است.

### قول مشهور به وجوب قضا در سال آینده، باستناد روایت عمر بن یزید

مشهور به استناد روایت عمر بن یزید گفته اند باید در سال آینده قضاء کند و اگر به حج نیامد، نائب بگیرد: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَغْفَلَ رَمْيَ الْجِمَارِ أَوْ بَعْضِهَا- حَتَّى تَمْضِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَرْمِيَهَا مِنْ قَابِلٍ- فَإِنْ لَمْ‌ يَحُجَّ رَمَى عَنْهُ وَلِيُّهُ- فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ- اسْتَعَانَ بِرَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَرْمِي عَنْهُ- فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ رَمْيُ الْجِمَارِ إِلَّا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ.[[4]](#footnote-4)

وقتی روایت رمی یازدهم و دوازدهم را واجب القضاء در سال آینده دانسته، به طریق اولی در ارتکاز متشرعی، باید رمی جمره عقبه را نیز در سال آینده قضاء کند، چون رمی جمره عقبه اهم است و «ولی» هم خصوصیت ندارد، بلکه استنابه مطلقا در صورت نیامدن خود شخص به حج، کافی است.

محقق خوئی فرموده محمد بن عمر بن یزید، توثیق ندارد و لذا سند روایت ضعیف است و باید به اطلاقات رجوع کنیم که مفاد مطلقات این است که تا در مکه حاضر است، باید رمی جمره را قضاء کند، ولو بعد از ایام تشریق، اما اگر از مکه خارج شده، قضاء هم واجب نیست، و لکن چون مشهور قضاء را واجب دانسته اند و ظاهرا تسالم بر آن وجود دارد، احتیاط واجب به وجوب قضاء در سال آینده می دهیم.

صحیحه معاویة بن عمار: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ النَّخَعِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ نَسِيَ رَمْيَ الْجِمَارِ- قَالَ يَرْجِعُ فَيَرْمِيهَا قُلْتُ فَإِنَّهُ نَسِيَهَا حَتَّى أَتَى مَكَّةَ- قَالَ يَرْجِعُ فَيَرْمِي مُتَفَرِّقاً يَفْصِلُ بَيْنَ كُلِّ رَمْيَتَيْنِ بِسَاعَةٍ- قُلْتُ فَإِنَّهُ نَسِيَ أَوْ جَهِلَ حَتَّى فَاتَهُ وَ خَرَجَ- قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ.[[5]](#footnote-5)

مرحوم اراکی فرموده: مقصود از ساعت، یک ساعت مرسوم فعلی است، اما نوعا گفته اند مقصود برهه ای از زمان است، اما آیت الله زنجانی فرموده در روایت معتبره آمده ساعات لیل و نهار، 12 ساعت است، یعنی هر ساعات روز، یک دوازدهم روز و ساعات شب، یک دوازدهم شب است.

به نظر ما عرفی نیست که یک روایت که در یک جا گفته ساعات نهار و لیل 12 ساعت است، حاکم بر این روایت قرار داده شود، بلکه ظاهرا مقصود از ساعة، همان برهه ای از زمان است و آن روایت، ظهور ندارد در این که هر جا لفظ ساعت بکار رفت، مقصود یک دوازدهم روز است.

البته مشهور یفصل بینهما بساعة را در این جا هم حمل بر استحباب کرده اند.

#### اعتماد به روایات محمد بن عمر بن یزید

به نظر ما چون اجلاء مثل موسی بن القاسم از محمد بن عمر بن یزید اکثار نقل دارند، می توان به روایت او اعتماد کرد و موید آن نیز همین است که مشهور به این روایت منفرد در این مساله که بر خلاف اطلاقات است، عمل کرده اند.

برخی گمان کرده اند که این شخص از مشایخ ابن ابی عمیر هم هست، زیرا در وسائل از امالی شیخ طوسی و ثواب الاعمال از این شخص نقل کرده است.

اما در امالی که چنین روایتی وجود ندارد و در ثواب الاعمال هم با یک نسخه مغلوطه نقل شده است و در عین حال ما احتمال قوی می دهیم که در نقل وسائل هم تصحیف شده است، زیرا محمد بن ابی عمیر و محمد بن عمر، نسخه بدل بوده است، یعنی محمد بن عمر بوده و بعضی اشتباها آن را محمد بن ابی عمیر کرده­اند، بعدها نسخه بدل ها در متن آمده است که این مرسوم بوده است.

دلیل این احتمال این است که مورد دیگری نداریم که محمد بن ابی عمیر از محمد بن عمر نقل کند و راوی از محمد بن ابی عمیر هم یعقوب بن یزید باشد، بلکه در بسیاری از موارد راوی از محمد بن عمر، یعقوب بن یزید است، اصل نسخه ثواب الاعمال هم که مغلوطه است و لذا قابل اعتماد نیست.

لذا روایت عمر بن یزید صریح است در این که باید در سال آینده، رمی جمره قضاء شود و امسال قضاء واجب نیست و لذا صحیحه معاویة بن عمار تقیید می خورد و مختص به فرضی می شود که هنوز ایام تشریق نگذشته باشد.

ان قلت: مفاد لیس علیه شیء در صحیحه معاویة بن عمار، این است که سال دیگر هم نمی خواهد قضاء کند و این بر خلاف روایت عمر بن یزید است که قضاء را واجب کرده است، لذا باید روایت عمر بن یزید بر استحباب قضاء در سال آینده حمل شود.

قلت: لیس علیه شیء، یعنی لازم نیست همین امسال به مکه برگردد و اطلاق آن می گوید قضاء در سال بعد هم لازم نیست، ولی منافات ندارد با این که در سال آینده قضاء واجب باشد و به روایت عمر بن یزید تقیید بخورد.

### تکمله: الحاق جاهل به ناسی

محقق خوئی فرموده صحیحه عبد الله بن سنان، جاهل را نیز شامل می شود به جهت تعبیر عرض له عارض که شامل جهل هم می شود، بلکه این تعبیر شامل فرض عمد هم می شود.

و اگر هم گفته شود این روایت شامل جاهل نمی شود (که به نظر ما هم عرض له عارض یعنی حادثه­ای پیشامد کرد، و جهل را شامل نمی شود) صحیحه جمیل شامل آن می شود: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ الْبَيْتَ- قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ قَالَ لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاسِياً- ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَاهُ أُنَاسٌ يَوْمَ النَّحْرِ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَذْبَحَ- وَ قَالَ بَعْضُهُمْ حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَرْمِيَ- فَلَمْ يَتْرُكُوا شَيْئاً كَانَ يَنْبَغِي أَنْ يُؤَخِّرُوهُ- إِلَّا قَدَّمُوهُ فَقَالَ لَا حَرَجَ.[[6]](#footnote-6)

معلوم است که این اشخاص اکثرا از روی جهل به ترتیب، اخلال وارد کرده بودند و لذا صدر روایت را که در آن فرض نسیان ذکر شده، باید به فرض جهل هم مقید شود.

به نظر ما این استدلال ناتمام است، زیرا این روایت به بحث ما ربطی ندارد، زیرا بحث ما در ترک رمی جمره یوم العید است، نه اخلال به ترتیب، این اشخاص همه واجبات را انجام داده بودند، فقط ترتیب را رعایت نکرده بودند و ربطی به ترک رمی جمره تا آخر روز ندارد.

ولی انصاف این است که اگر تارک رمی جمره عقبه، جاهل قاصر باشد، احتمال بطلان حج او نمی رود، ولو «عرض له عارض» صدق نکند، زیرا فهم عرفی، الغاء خصوصیت می کند، خصوصا اگر مقصود از عارض، اعم از عارض عرفی باشد.

اما اگر جاهل مقصر یا عامد باشد، حکم به صحت حج او مشکل است، گرچه مشهور حکم به صحت حج او کرده اند.

البته ظاهرا کسی حکم به بطلان حج در فرض عمد یا جهل تقصیری نکرده، با این که مساله مهمی است و لذا ما در این مساله متوقفیم، آیت الله سیستانی که صریحا فتوا به بطلان حج عامد داده و نسبت به جاهل مقصر هم احتیاط واجب به بطلان حج داده است، ولی به نظر ما در هر دو باید احتیاط واجب داده شود.

البته دلالت السنة لاتنقض الفریضة نسبت به جاهل مقصر غیر متردد تمام است، اما عالم عامد و جاهل مقصر متردد باقی می ماند.

صحیحه عبد الصمد هم که می گوید ای رجل امرا بجهالة فلا شیء علیه، صرفا نفی کفاره می کند، ولی دلیل بر اجزاء نیست.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 167‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/165) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 168‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/166) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 73؛ 15 باب أن من فاته الرمي نهارا وجب عليه قضاؤه من الغد و يستحب له الفصل بأن يكون ما لأمسه بكرة و ما ليومه عند الزوال ؛ ج 14، ص : 72](http://lib.eshia.ir/11025/14/73) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 262؛ 3 باب أن من نسي أو جهل رمي الجمار حتى خرج وجب عليه العود للرمي و ينبغي أن يفصل بين كل رميتين بساعة فإن تعذر وجبت الاستنابة و إن مضت أيام التشريق ففي قابل ؛ ج 14، ص : 261](http://lib.eshia.ir/11025/14/262) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 262؛ 3 باب أن من نسي أو جهل رمي الجمار حتى خرج وجب عليه العود للرمي و ينبغي أن يفصل بين كل رميتين بساعة فإن تعذر وجبت الاستنابة و إن مضت أيام التشريق ففي قابل ؛ ج 14، ص : 261](http://lib.eshia.ir/11025/14/262) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 156؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/156) [↑](#footnote-ref-6)